

به پیشینه چگونگی وارزش پروسیه‌ها و کوشه‌های باستانشناسی در آسیای میانه *

را در شناخت و توجیه چگونگی فرهنگها بر عهده گرفته‌است. اگر این مدارک و منابع در زمینه دوران بسیار طولانی و مهم پیش از تاریخ و آغاز تاریخی به عنوان تنها وسیله و منبع به شمار می‌روند، درباره دوراهای تاریخی نیز اهمیت و اعتبار و نقش روشنگران کمتر نمی‌باشد. از اینرو است که با

گفتگو درباره اینک تاریخ چیست، چگونه می‌توان و باید آنرا نوشت، برای نوشتن آن از چه منابع و مدارکی و به چه شکل و صورت باید بهره جست، چه روشی را در امر تجزیه و تحلیل منابع باید به کار برد تا به یک نتیجه‌گیری نزدیکتر به واقع امر رسید و بسیاری مسائل دیگر همه و همه با این هدف مورد توجه قرار می‌گیرد، تا زمانیکه نوشته‌یی

در کار تهیه و تنظیم این نوشته دو منبع اصلی زیر مورد استفاده قرار گرفته است.

1- ASIE CENTRALE. Par: ALEXANDRE BELENITSKY-1968. NAGEL, Genève. Collection Archaeologia Mundie.

۲- موزه دولتی هنر مردم مشرق زمین - کارهای باستانشناسی موزه در آسیای میانه نوشته ب. ب. استاوسکی از انتشارات "رکلام" - مسکو ۱۹۶۹ (به زبان روسی).

و یا کتابی درباره یک دوران معین و مردمی معین نوشته‌می‌شود توان آنرا داشته باشد تا با موشکافی و درستی و بی کم و کاستی هر چه بیشتر چگونگی واقعیت زندگی و فرهنگ آن مردم و سرزمین را بیان دارد و سیعای روشنی از آن تمدن را بنماید.

بی شک باید گفت که از مدت‌ها پیش در پی کشف و دست یابی به مدارک گوناگون در جریان کوشه‌های مختلف، یافته‌های باستانشناسی جایگاهی مهم و اساسی و در بسیاری از موارد منحصر به فرد

انجام هرکوش جدید در مکانهای دوران تاریخی ، آگاهیهای کامل کننده و گاه تازه و راه گشا در جهت شناسایی و توجیه دقیق تاریخ آن سرزمین و مردم آن به دست می دهد و گاه آثار به دست آمده چنانست که از تاریکترین و ناشناخته ترین دورانهای تاریخ برده بر می دارد و رازهای نهفته را عیان می سازد . از آنجاکه ما در این نوشته بر آن نیستیم تا درباره اهمیت و کاربرد مدارک و منابع باستانشناسی در اصلاح و شناخت تاریخ به بحث بپردازیم به ناچار از ذکر مطالبی مختلف نیز خودداری می کنیم .

اما اینکه چرا به بیان این مقدمه کوتاه پرداختیم ، دلیلش آنست که اساس این نوشته را معرفی خلاصه ای از بررسیها و کاوشهای باستانشناسی در سرزمین پهناور " ماوراءالنهر " یا خراسان بزرگ که امروز با نام " آسیای مرکزی " معروف شده تشکیل می دهد . آنچه من را بر آن داشت تا به تدوین این نوشته بپردازم آن بود تا شاید بتوانم این نکته را روشن سازم که درباره بسیاری از دورانهای فرهنگ و تمدن و تاریخ سرزمینی که از دیرباز ایرانش خوانده اند بدون آگاهی از نتایج به دست آمده در سرزمین پهناور و باستانی " وراورد " یا ماوراءالنهر امکان تهیه و تنظیم یک تاریخ جامع و کامل میسر نخواهد بود . از جمله :

— شناخت ، تجزیه و تحلیل و توجیه چگونگی تمدن پیش از تاریخ فلات ایران ، بدون آگاهی

بر چگونگی آغاز و روند تمدن پیش از تاریخ در سراسر ماوراءالنهر و یا آسیای مرکزی امری است ناقص و نارسا .

— پژوهش درباره نژاد آریا ، خاستگاه آن ، مسیر کوچ آن قوم ، شکل نخستین تمدن آنها و دگرگونیهای بعدی آن بدون آگاهی از بررسیها و کاوشهای انجام شده در ماوراءالنهر راه به جایی نخواهد برد .

— روشن ساختن چگونگی تمدن دوران استقرار در دهکده ها و سپس ایجاد و گسترش شهرنشینی همه و همه در رابطه مستقیم با یافته های آسیای مرکزی باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

— شناسایی جامع چگونگی آیین هایی چون : مهرپرستی ، آیین ناهید ، مذهب مغان و بالاخره دین زرتشت به دور از آگاهیها و داده های باستانشناسی در سرزمین هایی چون : فرغانه — بلخ — تاجیکستان خوارزم و دیگر محلهای باستانی ماوراءالنهر چنانکه باید از روشنی لازم بهره مند خواهد بود .

— برای توجیه صحیح افسانه های تاریخی ایرانزمین و یافتن جایگاه درست این رویدادها و تاریخ واقعی آنها به اعتباری این تنها سرزمین ماوراءالنهر و خراسان بزرگ و افغانستان کنونی و سیستان است که می تواند راز گشا باشد .

— بنا بر نظریه بیکه بیش از دیگر نظریه ها طرفدار

دارد و به اعتباری بردلایل محکم تری استوار است .
 زمانیکه گروهی از آریاییها از پاسر سرازیر می گردند
 و روانه دشت می شوند ، چون به کنار " آودریا " یا
 جیحون می رسند و با امکاناتی که در اختیار داشته اند
 خود را قادر به عبور از آن نمی بینند بر سمت راست
 آن در دیهایی فراوان استقرار می یابند . مدت زمانی
 بعد یکی از این دیهها رشد می یابد و شهری می شود
 که " بلخ " نام می گیرد . این همان شهری است که
 در افسانه های کهن ایرانی بنیاد آنرا گاه به " کیومرث "
 و گاه به " لهراس " نسبت داده اند . همچنین
 در روایات زرتشتی بلخ را وطن زرتشت و جایگاهی
 دانسته اند که او دین خود را در آنجا اعلام ساخت
 و مردم را به پیروی از آن بخواند . این شهر در
 افسانه ها و تاریخ های کهن به نام " مادر شهرها " شناخته
 شده و عرب آنرا " ام البلاد " نامیده است .

از سوی دیگر می دانیم که در اوستا نام
 سرزمینهایی چون :

- سوغده (سغو و سمرقند) - مورو (مرو) -
- باخدی (باختره) - نیسایه (نسا) - هرایوه (هرات) -
- اورو (غزنین) و ... آمده است (۱) و نام " زراقتان " ،
 رود و خشودریا چهر زرنج و نظایر آن در دیگر نوشته های کهن
 ایرانی مکرر به کار برده شده است .

در داستانهای حماسی ایران کهن ، جایگاه
 شاهان پیشدادی و کیانی و محل رویدادهای مربوط

به قهرمانانی چون : زال و سام و رستم و نظیر آنها
 همه در سرزمینهای شرقی و میان ناحیه زابلستان ،
 مازندران و کنار آمو در بایاجیحون بوده است ، امری که
 روشنگر وجود تمدنی وسیع و عظیم در این پهنه از
 سرزمین های باستانی است . وجود برخی نامها
 چون : کبکباد شاه - تل برزو - افراسیاب و همسان
 آنها که بر روی محل های باستانی ماوراءالنهر گذارده
 شده همه یادآور نشانهای رابطه با آن تمدن دیرپا
 است .

کاوتهای باستانشناسی حدود سی سال اخیر
 و کشف محلها و شهرهای وسیع و بر ارزش فراوان
 مربوط به دوران هخامنشی ، اشکانی و ساسانی در
 بسیاری زمینه ها دارای آنچنان اعتباری است که به
 حق حاد دارد بر اساس مدارک یافت شده در این مکانها
 نسبت به آنچه که تا به حال درباره فرهنگ و تمدن
 این دوراها نوشته شده (به خصوص دوران اشکانی
 و ساسانی) تجدید نظر اساسی و کلی صورت پذیرد .
 ولی با تأسف فراوان از زمان کشف این
 مدارک ارزنده نتهناتان کتون هیچگونه گام موثری
 در این راه برداشته نشده است ، بلکه به جهات

۱- تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ
 و آغاز تاریخ - سعید نفیسی - ۱۳۴۲ - صفحه ۷۵ .

مختلف در زمینه نام گذاری بر روی تمدنهای کشف شده و توجیه چگونگی آنها شاهد برخی ناروایی‌ها نیز هستیم، و این همه به آن خاطر است که با توجه به ملاحظات سیاسی و بروز تغییرات عمده در وضع سیاسی سرزمینها و تجزیه‌هایی که رویداده، از سال‌های پیش تلاشی وسیع از سوی کشورهای تازه بنیاد گرفته و قدرتهای بزرگ حاکم بر بسیاری از این سرزمینها در جهت ایجاد یک هویت و شخصیت فرهنگی مستقل برای آنها، دنبال می‌گردد.

بدون شک اینگونه تلاشها گذشته از برخی ضرورتها به منظور ایجاد نوعی وحدت ملی در بین ساکنان سرزمینهای مزبور، عامل اصلی را باید در بیم نابه‌جای قدرتهای حاکم بر این سرزمینها جستجو کرد؛ بیم از آنکه اگر پیوند دیرین فرهنگی بین مردم آن سرزمین و سرزمین مادر چنانکه همه آثار و مدارک شهادت می‌دهند، برقرار و استوار بماند و نشانه‌های تازه به دست آمده در جهت شناسایی هر چه بهتر و وسیع تر تاریخ مشترک آن دو سرزمین به کار گرفته شود، خطر گرایش به سوی سرزمین مادر را در پی داشته باشد. در این زمینه باید گفت که واقعیت‌های جهان امروز و قدرت مسلط ابرقدرتها چنانست که نه تنها از انجام هرگونه تغییر ناخواسته در وضع مرزهای سیاسی مانع می‌گردد بلکه حتی امکان اظهار وجود و تعیین نوع حکومت و آزادیهای بدیهی را

نیز برای بسیاری از ملت‌ها و سرزمینها غیر ممکن می‌سازد. بنا بر این جا دارد موجهاتی فراهم آید تا همکاری وسیع تر فرهنگی بین تمامی سرزمینهایی که از دیرباز دارای فرهنگ و تمدنی مشترک بوده‌اند برقرار گردد و کوشش شود تا با همکاری نزدیک دانشمندان و متخصصان موجهات شناسایی جامع و کامل چگونگی فرهنگ و تمدن و تاریخ مشترک آن سرزمینها از دیرباز تا کنون باز شناخته شود.

از سوی دیگر این وظیفه، مراکز پژوهشی و دانشگاهی ایران است که با توجه به ارزش و اعتبار فراوانی که مدارک یافت شده در سرزمینهای همجوار در زمینه شناخت بهتر و جامع تر فرهنگ ایرانی در دورانهای مختلف در بردارند، موجهات آنرا فراهم سازند تا باستانشناسان و پژوهشگران ایرانی امکان بررسی این آثار را از نزدیک به دست آورند؛ باشد که توفیق تدوین یک رشته آثار بر ارزش علمی درباره تاریخ و فرهنگ ساکنان این سرزمین دیرپا از دیرباز تا کنون فراهم آید.

* * *

اینک با توجه به آنچه که در بالا بدان اشاره گشت بحث اصلی خود را درباره تاریخ و چگونگی بررسیها و کاوشهای باستانشناسی در ماوراءالنهر یا آسیای مرکزی با اشاره به ویژگیهای طبیعی منطقه

و محوطه‌های عمده، باستانی آن با استفاده از نوشته‌های دانشمندان اتحاد شوروی به اختصار دنبال می‌کند.

سیمای طبیعی و ویژگیهای محوطه‌های باستانی آسیای میانه

پیش از آنکه به شرح تاریخچه، بررسیها و کاوشهای انجام شده در ماوراءالنهر بپردازیم جا دارد درباره ویژگیهای عمده، جغرافیایی و چگونگی محلهای باستانی آن به کوتاهی هر چه تمامتر چند جمله‌ای بیان داریم. نخست باید اشاره کنم که دانشمندان شوروی به جهت خاص برای این منطقه نام "آسیای میانه" را برگزیده‌اند. سرزمینهایی که دانشمندان روس بر آن نام آسیای میانه را نهاده‌اند عبارتند از:

جمهوری ازبکستان (از شهرهای مهم آن سمرقند و بخارا)، جمهوری فارسی زبان تاجیکستان، جمهوری ترکمنستان (پایتختش عشق‌آباد و هم‌میزن با خراسان کنونی ایران)، ناحیه جنوبی قزاقستان و قرقیزستان.

در حالیکه دانشمندان مغرب زمین تنه‌ایه سرزمین‌های شامل ترکستان شرقی، مغولستان و تبت عنوان آسیای مرکزی را داده‌اند.

— این منطقه از نظر وضع جغرافیایی سرزمینی

— جزیره‌ای مانده از سردر ورودی مسجد آنوو
تزیینات آن. (عکس از نگارنده)

است با یکدیگر اختلاف نظر. چنانکه بخش وسیعی از آن را رشته کوههای عظیم و قسمتی دیگر را صحراهای وسیعی که خیلی کم برای زندگی انسانها سازگار می باشد فرا گرفته است.

اما از سوی دیگر در حوضه های پرآب رودخانه ها و بر روی خاکهای رسوبی و حاصلخیز آن از دورانهای بسیار کهن گروهی از مردم ساکن بوده اند. همچنین دامنه کوهساران و "استپ" های منطقه نیز بهترین و مناسبترین شرایط را برای دامپروری عرضه می دارند. با توجه به مدارک باستانشناسی نخستین انسانها از آغاز دوران پارینه سنگی (۲) در آسیای مرکزی زیسته اند و از آن زمان به بعد همیشه این سرزمین مسکون بوده است.

شرایط جغرافیایی آسیای مرکزی از بسیاری جهات یادآور آنچه رایشی است که در خاور نزدیک با آن برخورد می کنیم. تحولات فرهنگی نیز در این دو ناحیه شباهتهای بسیاری با یکدیگر دارند. نبود چوب در هر دو منطقه، باغندگان آنها را به بهره جستن از گل رس مجبور کرده است.

به همین جهت است که این زیستگاهها کمی بعد ازها گشتن به صورت تپه های کوچک یا بزرگ که کم و بیش شبیه هم هستند و اغلب نیز از زمین طبیعی پیرامونشان غیر قابل تشخیص می باشد، در می آید. تنها، منطقه، بیابانی غرب آسیای مرکزی

است که منظر آثار و محوطه های باستانی آن دارای ویژگیهای مشخص تری می باشد.

در ناحیه خوارزم و ترکمنستان جنوبی مشاهده وضع کلی مجموعه ویرانه های کهن، باروی شهرها با برجهای پیرامونشان، باقیمانده قلعه های دفاعی و همچنین بناهای متوسط میسر است. مردم بومی به این محلها تپه یا قلعه می گویند و به طور معمول برهبریک از آنها نامی در رابطه با تاریخ افسانه ای چون: کافر قلعه - قلعه گبری - قلعه برزو و نظایر آن داده اند.

وجود هوای خشک در بخشی از این منطقه سبب گردیده تا آثار متعلق به تمدنهای کهن به خوبی در زیر تابش آفتاب محفوظ بمانند. در چند مورد زمانی که زندگی از یک شهر و محل به دلیل هجوم نظامی و یا مهاجرت دسته جمعی به دلیلی نامعلوم رخت بر بسته است، در جریان کاوش، توفیق آن به دست آمده تا تمامی نشانه های مربوط به زندگی مردم یک شهر بدون دست خوردگی کشف و عرضه شود. از آنجمله است منطقه پراورش باستانی "پنج کنت" نزدیک سمرقند که بعد از حمله عرب دیگر مورد استفاده قرار نگرفته است.

در باره اهمیت و ارزش کاوشهای باستانشناسی در آسیای مرکزی باید به این نکته اشاره داشت که در مقایسه با سرزمین های مدیترانه ای و شرق نزدیک

پیشینه بررسیها و کاوشهای باستانشناسی از آسیای میانه

الف - در دوران روسیه تزاری :

- برای نخستین بار در سال ۱۸۶۷ یکسال پیش از آنکه ارتش روسیه تزاری سمرقند را تسخیر سازد ، " کمسیون باستانشناسی " امپراطوری روس هیئتی را از " سن پترزبورگ " به ریاست " لرخ " (۲) شرقتاس و سکه شناس به حوزه " پایین " سیر دریا " می فرستد و او در ناحیه " جان کنت " به کاوش می پردازد .

- پس از آن در سال ۱۸۷۵ برای اولین بار کار حفاری در منطقه باستانی " افراسیاب " یا سمرقندکهن زیر نظر افسران روس به دور از هر گونه جنبه علمی آغاز گردید .

مدتی بعد سرپرستی کار حفاری به " سلوویکی " (۴) عبورده شد و سپس " ویاتکین " (۵) به جانشینی او برگزیده شد و تا ۱۹۲۵ این سمت را بر عهده داشت . از جمله اکتشافات چشم گیر ویاتکین

خاورمیانه تعداد کتیبه ها و آثار نوشته به دست آمده در این ناحیه بسیار کم است و هنوز سکه ها مهمترین مدرک به شمار می روند . از اینرو در این سرزمین ویژگیهای تمدنها در دورانهای مختلف پیش از هر چیز به یاری آثار معماری و اشیاء به جای مانده قابل باز شناخته شدن هستند . این امر نه تنها درباره دورانهای پیش از تاریخ و آغاز تاریخی بلکه به اعتباری تا دوران ساسانی نیز صادق است .

به همین دلیل برای باز شناختن ویژگیهای یک شهر ، تشکیلات آن ، نحوه دفاع ، چگونگی آیین مورد قبول مردم ، تحولات اجتماعی و سطح اقتصادی ، خلق سبکهای هنری ، برخوردها و تماسهای فرهنگی ، نفوذ پذیری و تأثیر گذاری ، همه و همه می بایست به داده ها و یافته های باستانشناسی متکی بود .

- از یاد نبریم که این منطقه از یک سو در مسیر جاده ابریشم که از شرق دور می آمده قرار داشته و باهند نیز فاصله کمی دارد و از جهت شمال با ناحیه استپ در ارتباط بوده و به عنوان بخشی مهم از دنیای ایران دوران هخامنشی به بعد با داخل فلات و غرب در تماس و برخورد دائم بوده است . بنابراین سرزمینی است پراز راز و رمز و پیچیدگی و جاذبه که پژوهشگران بسیاری را برای کسودن رازها و رمزهایش به سوی خویش می خواند .

- ۲ - Paléolithique
- ۳ - P.S. Lerkh
- ۴ - N.I. Veselovsky
- ۵ - V.L. Vyatkin

کاوش رصدخانه سمرقند است که در سال ۱۹۰۸ انجام گرفت. او با استفاده از یک قبالة ملکی که حدقسمتی از زمین را به "نل رصد" محدود ساخته بود تپه بی را مورد نظر قرار داد و کاوش خود را در آنجا آغاز کرد و سرانجام به کشف این اثر معروف توفیق یافت. (۶) درباره حفاری در افراسیاب می توان گفت که کار کاوش در این محل از زمان شروع یعنی سال ۱۸۷۵ گذشته از چند باری که متوقف گردید، همچنان تا به امروز ادامه دارد. در طی این مدت طولانی آثار و اشیاء بسیار زیادی مانند: شیشه - اشیاء گلی و سفالهای مختلف از این محوطه - عظیم باستانی به دست آمده است. مجسمه های سفالی الهه آناهیتا که تاجی بر سر و بالی شبیه بال پرندگان دارد، مجسمه های سفالی با کلاه آزادی یا "فریژی" معروف مهرپرستان و بالاخره کشف سفالهای جالب مربوط به قرن پنجم و ششم هجری که به نام سفال افراسیاب معروف و با آثار سفالی آمل، ری و نیشابور قابل مقایسه است. از جمله آثار ارزشمندی است که از افراسیاب به دست آمده است.

اولی با وجود اهمیت فراوان این آثار لازم می داند یادآور گردد که نتایج حاصل از کاوشهای افراسیاب را در جمع به دلیل "تکسک" ناموفق کار حفاری و گرفتن ترانسه های کم عرض و طولانی و

بدون ارتباط با یکدیگر و از هم دریدن سطحها و بافتنهای معماری به هم پیوسته و بالاخره به دست ندادن هیچگونه لایه نگاری از طبقه ها و لایه های تاریخی و باستانی، نمی توان رصایت بخش دانست. به بیان دیگر گذشته از به دست آمدن اسبوهی شیء، کاوشهای انجام شده ساده ترین اطلاعاتی را که از هر حفاری علمی می توان انتظار داشت در اختیار نمی گذارد. نه شاختی از وضع شکل شناسی بافت و ساختمان منطقه در دورانهای مختلف به دست می دهد، نه ویژگیهای زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی منطقه را روشن می سازد و نه اینکه از نظر تاریخ گذاری آگاهی دهنده است.

با اینحال کشف آثار مختلف از افراسیاب در دهه های نخست کار، هیجان خاصی را در بین مردم روسیه ایجاد کرد. به ویژه آنکه کشف این آثار همزمان بود با آشنا شدن مردم با آثار معماری دورانهای بعد از اسلام سمرقند. آثار معماری چشمگیر و پر شکوه سمرقند به وسیله نقاشی های "واسیلی ورتخاقین" (۷) به مردم روسیه معرفی گردید و کوشش خاصی را در آنها سبب گردید. امری که برای گسترش نفوذ استعماری روسیه تزاری و تسخیر سرزمینهای ماوراءالنهر پشتوانه مؤثری به شمار می رفت.

ساز حمله رویدادهای مهم سالهای دهه آخر

قرن نوزدهم در زمینه، اکتشافات باستانشناسی این منطقه می‌توان حفاری و بررسی در ویرانه‌های شهر کهن " مرو " را برشمرد .

"ژوکوسکی" (۸) براساس این کاوش تک‌نگاری جالبی با نام " ویرانه‌های مرو کهن " انتشار داد . او در این تحقیق مجموعه، بسیار غنی از منابع نوشته را گرد آورد . با اینحال بخش باستانشناسی این اثر محدود می‌شود به شرح آثار باقیمانده و قابل مشاهده، این محل .

کاوش در " آنو " (۹) : اشاره به پیشینه، بررسیها و کاوشهای باستانشناسی در " ورارود " یا ماوراءالنهر پیش از انقلاب اکتبر ، بدون آنکه یادی از کاوش در تپه، " آنو " کرده باشیم کامل نخواهد بود . کار حفاری در این تپه که در ۱۲ کیلومتری عشق‌آباد قرار دارد در سال ۱۹۵۴ توسط دانشگاه فیلا دلفیا و زیر نظر " پومپلی " (۱۰) آغاز گردید و سال بعد حفاری مزبور توسط اشمیت (۱۱) دنبال گردید .

تشکیل انجمنهای عتیقه‌شناسی : با شناسایی محل‌های مختلف باستانی و تاریخی و کشف آثار آنها توجه مقامهای مسئول و جمعی از مردم به‌گونه، وسیع‌تری به سوی آنها جلب گردید و موحیات تشکیل نخستین انجمنهای باستانشناسی و یا " عتیقه‌شناسی " فراهم آمد . قدیمی‌ترین این

انجمنها در سال ۱۸۹۲ در تاشکند بنیان گرفت و فعالیت به نسبت وسیعی را آغاز کرد که تا ۱۹۱۶ ادامه یافت . در طی این مدت انجمن تاشکند ۲۵ " گزارشنامه " شامل مقاله‌ها و گزارشهای مختلف باستانشناسی را منتشر ساخت . جالبترین مقاله‌های این مجموعه مربوط بود به " استودان " (۱۲) ها که از نشانه‌های عمده، باستانشناسی ماوراءالنهر به شمار می‌روند . انجمن عشق‌آباد در برابر تاشکند فعالیت کمتری داشت و تنها به انتشار دو " گزارشنامه " اقدام کرد .

— با کشف آثار مختلف از محل‌های باستانی و تاریخی ، در برخی از شهرها نسبت به گشایش موزه اقدام گردید تا اشیاء، به دست آمده در آنها

۶ — برای اطلاع بیشتر درباره، کاوش رصدخانه، سمرقند به کتاب " میراث‌های تمدن ایرانی در سرزمینهای آسیای شوروی " نوشته، دکتر پرویز ویراخواند — تهران ۱۳ — صفحه مراجعه فرمایید

- ۷ — V. Verechtchghine
- ۸ — V.A. Jukovsky
- ۹ — Anau
- ۱۰ — R. Pumpelly
- ۱۱ — W. Schmidt
- ۱۲ — Ossuaire

عرضه گردد. از آحمه است موزه سمرقند که در سال ۱۸۹۶ بنیان گرفت و بخشی از آثار به دست آمده در افراسیاب در آن عرضه گردید.

ب - بررسیها و کاوشهای باستانشناسی بعد از انقلاب اکتبر

بعد از انقلاب و تشکیل " کمیساریا " های آموزش و پرورش و فرهنگی یکی از اقدامات آنها عبارت بود از ایجاد کمیته های ویژه فعالیت های باستانشناسی، نخستین هدف و وظیفه این کمیته ها در ماوراءالنهر (آسیای مرکزی) متوجه امرشناسی، حفاظت و تعمیر و بازسازی آثار برای معماری بود. در سپتامبر ۱۹۲۴ زمانیکه هنوز مخالفت با حضور ارتش سرخ در ماوراءالنهر به صورت مبارزه مسلحانه ادامه داشت و به قول طرفداران انقلاب " هنوز صدای تیرهای با سمه چی ها (این نام را طرفداران انقلاب به مخالفان و استقلال طلبان داده بودند) به گوش می رسید " (۱۳) یک گروه سه نفری با همکاری پروسور " ب - دنیکه " (۱۴) مشاور علمی که چندی بعد (ارسال ۱۹۲۵) به سمت مدیر " موزه فرهنگ شرق " انتخاب گردید، برای بررسی آثار شهر باستانی " ازگن " (۱۵) واقع در شرق دره فرغانه رهسپار آن محل گردید تا ضمن بررسی آثار معماری آن نسبت به حفظ و نگهداری

آرامگاههای " ازگن " متعلق به قرنهای پنجم و ششم هجری نیز اقدام کند.

- در طی سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ موزه فرهنگ شرق و کمیته نگهداری آثار باستانی آسیای میانه یک گروه سه نفری که پروسور دنیکه، " استرلکف " (۱۶) و " زگورا " (۱۷) را در بر می گرفت، مورد بررسی و شناسایی آثار معماری آسیای میانه و از جمله شاهکارهای معماری قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی سمرقند ساخت.

تلاش دولت تازه تا سیس روسیه شوروی برای این بود تا با انجام یک رشته اقدامات حفاظتی درباره بناهای معروف تاریخی شهرهای کهن که بیشتر آنها را مسجدها، مدرسه های علوم دینی، آرامگاههای چهره های مقدس مذهبی و همانند آنها تشکیل می دادند، توجه ساکنان مسلمان و ناراضی ماوراءالنهر را به سوی خود جلب سازد.

" دنیکه " در جریان این بررسی به ترکمنستان جنوبی نیز سفر کرد و از تپه معروف آنوو مسجد آن و همچنین ویرانه های شهر باستانی

۱۳ - موزه دولتی هنر مردم مشرق زمین - صفحه ۱۰

۱۴ - B.P. Denike

۱۵ - Uzen

۱۶ - A. Strelkow

۱۷ - V. Zgoorra

"نسا" که به اعتباری نخستین پایتخت اشکانیان به شمار می‌آید، دیدار کرد و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

— (در اینجا سی مناسبت نمی‌داند با توجه به اشاره‌هایی که دربارهٔ مسجد آنو به عمل آمد یادآور شوم که در جریان تشکیل "کنفرانس بین‌المللی دربارهٔ تحولات اجتماعی و فرهنگی کشورهای آسیای میانه در قرن نوزده و بیست" از ۲۶ سپتامبر تا ۵ اکتبر سال ۱۹۷۲ در عشق‌آباد، برای نگارنده فرصتی دست داد تا از تپه، قلعه و مسجد آنو دیدن کنم. قلعه آنو محوطه بسیار وسیع مستطیلی شکلی است که در گوشه آن ویرانه‌های مسجد قدیمی به چشم می‌خورد. این مسجد که در قرن نهم هجری ساخته شده است در جریان زلزله سال ۱۹۴۸ به کلی ویران گردید و تنها چند حوز و دیوار آن برپا مانده است. آثار تزئینات باقیمانده در این بنا حکایت از زیبایی متناسب آن در دوران آبادانی بنا دارد. تزئینات باقیمانده بنا به چهار دسته تقسیم می‌شود: کاشی معرق، معقلی، آجرکاری نقش دارو گچ بوی در موزه عشق‌آباد تابلونقاشی کوچکی قرار دارد که بنای مسجد را در دوران آبادانی آن نشان می‌دهد.)

— سفر هیأت مزبور به سمرقند و ترکمنستان جنوبی در سال ۱۹۲۶ را می‌توان مقدمه‌یی دانست

برای انجام یک بررسی اصلی‌تر که عمارت بود از مطالعه آثار و ویرانه‌های "ترمذ" کهن.

شهر باستانی ترمذ در نزدیکی آمودریا (رود جیحون) ، از سالها پیش توسط برخی از شرق شناسان روس مورد توجه قرار گرفته بود. چنانکه در سال ۱۸۹۶ یک مهندس نظامی روس به نام " پاسلاوسکی " (۱۸) مقاله‌یی دربارهٔ ترمذ نوشت که در آن نوشته‌هایی از منابع فارسی و عربی گرد ساخته بود. (این مقاله توسط شرق شناس معروف روس " بارتلد " (۱۹) به چاپ رسید. مدتی بعد بارتلد با دسترسی به منابع دیگر اطلاعات وسیع‌تری را دربارهٔ ترمذ به چاپ رسانید) .

در ۱۹۱۱ نیز " کمیتهٔ روسی ما مور مطالعه در آسیای شرقی و میانه " نیز که افرادی چون آکادمیسین " اولدنیورگ " (۲۰) و " ب. بارتلد " جز آنها بودند به منظور یک شناسایی وسیع، انجام بررسی‌هایی را برای طبقه‌بندی آثار، شرح و توضیح آنها، تهیهٔ عکس و نقشه، پیشنهاد کرده بودند. انجام این کارها تا سال ۱۹۲۶ مسر نگردید و در آن سال هیأت مورهٔ فرهنگ شرق تحقیقات و بررسی‌هایی را که دو آکادمیسین مزبور در سال ۱۹۱۱ پیشنهاد کرده بودند به شرح زیر آغاز کرد:

شناسایی آثار معماری بر پا و ویرانه‌ها

ثبت آنها در فهرست مربوط ، اندازه گیری بناها و تهیه نقشه و عکس آنها ، هیأت مزبور بناها را در دودسته^۶ مربوط به قبل و بعد از اسلام تقسیم کرد . "دنیکه" تعدادی از بناها را به قرن پنجم و ششم هجری مربوط دانست و آنها را مشابه آثار معماری "ازکن" و دیگر شهرهای بعد از اسلام آسیای میانه دانست .

— در ترمذ کار در سطحی وسیع دنبال شد و همکاران "دنیکه" به اندازه برداری از تک تک بناها و آثار پرداختند .

"زاسیپکین" (۲۱) آثار مهمی چون : مناره^۷ ترمذ ، مقبره حکیم الترمذی ، آثار باستانی قرقیز ، مجموعه^۸ مقبره های سلطان سعادت و ساختمان کنگره^۹ را مورد بررسی و اندازه برداری قرار داد . کتیبه^{۱۰} روی مناره^{۱۱} ترمذ خوانده شد و تاریخ ۴۲۳ هجری آن مشخص گردید .

— جمع آوری آثار سفالی و طبقه بندی آنها در امر مطالعه و تحقیق تاریخ دورانهای مختلف ترمذ و آثار معماری آن کمک موثری بود . سفالهای ترمذ رنگ مربوط به قرن ۴ تا ۶ هجری در کنار "چنگیز تپه" (۲۲) و سفالهای قرن نهم و دهم دوران تیموریان در مشرق ویرانه ها در محل ایستگاه کنوسی راه آهن به دست آمد .

در جریان بررسی ، قطعه هایی از مجسمه های

بودایی و بعضی آثار مربوط به معماری سنگی کشف گردید . کشف این آثار و "برج زورمال" (۲۳) که آثار مابدی بودایی دانستند نظر محققان هنر و تمدن بودایی را به ترمذ جلب ساخت .

— در جریان بررسی های ترمذ در قسمت شرقی ویرانه ها ساختمان بزرگی جلب نظر کرد و کاوشهایی در آن به عمل آمد . این کاوش در سرسرای اصلی بنا انجام گرفت . در این محل دو ردیف ستون تنومند به دست آمد که بر روی آنها و دیوارهای سرسرا تزیینات جالب گچ بری انجام شده بود . گچ بریهای به دست آمده از نظر گوناگونی نقش و طرح دارای ارزش فراوان بود و نزدیک به ۶۰ نوع طرح را در بر می گرفت .

این قصر که بنای آن به قرن پنجم یا ششم هجری مربوط می شود جز یکی از مهمترین آثار معماری بعد از اسلام منطقه به شمار می رود .

— در مجموع می توان گفت فعالیت های هیأت

۱۸ - Paslawsky

۱۹ - W. Bartold

۲۰ - S. Oldenburg

۲۱ - B. Zasiipkin

۲۲ - Chingiz - Teppe

۲۳ - Zurmal

مزبور در طی سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ در زمینه مطالعه آثار معماری با انجام سفرها و بررسیهای علمی، کاوشهای توجیه کننده، تجزیه مواد پیدا شده در امر شناسایی کلی منطقه دارای اهمیت بسیار است و موزه فرهنگ ملل شرق از راه انجام این پژوهشها اعتباری فراوان به دست آورد.

بررسیها و کاوشهای باستانشناسی: در زمینه کاوشهای باستانشناسی از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۵ با نشانههای چشم گیر و قابل توجهی برخورد نمیکنیم زیرا چنانکه گفته شد در طی این مدت بیشتر فعالیتها متوجه بررسیهای کلی و انجام شناسایی محوطههای باستانی و بناهای برپا و تهیه شناسنامه برای آنها بود و گهگاه به منظور شناسایی واحدهایی از آثار معماری عظیم چون قصر ترمذ، کاوشی نیز در آنها صورت می گرفت. تنها حفاری خارج از واحدهای معماری را می توان مربوط به کاوش "دنیکه" در سال ۱۹۲۸ در قبرستان "سمیرجه" (۲۴) مربوط به قرن اول میلادی دانست.

ولی از حدود سال ۱۹۳۲ کار بررسی و کاوشهای باستانشناسی با برنامه ای به نسبت وسیع در سرزمین آسیای میانه آغاز گشت. سال ۱۹۳۲ با انجام دو کشف مهم راه جدیدی را در بررسی های باستانشناسی این منطقه عظیم گشود و امید به اکتشافات جدید و ایجاد تحولی چشم گیر و موفق را در این خطه

پربار سبب گردید.

این دو کشف عبارت بودند از:

نخست در بهار سال ۱۹۳۲ در **ویرانههای حصار "قلعه مغ" (۲۵)** واقع در سلسله کوههای زرافشان به مجموعه ای از مدارک نوشته به زبان سغدی دست یافتند که تا آن زمان هرگز در آسیای مرکزی یافت نشده بود. سپس در پاییز همان سال در کف رودخانه ای در "آبرتام" (۲۶) در جانب راست آمودریا قطعه سنگ حجاری شده جالبی به دست آمد. با کشف این دو اثر برای باستانشناسان محقق گردید که سراسر خاک آسیای مرکزی مجموعه عظیمی از آثار و نشانه های مربوط به تمدنهای گذشته را در بردارد که بررسی و شناسایی آنها به طور قطع نیاز به حفاریهای برنامه ریزی شده و علمی دارد.

از اینرو کار کاوشهای باستانشناسی به سه انستیتیوی علمی مسکو، لنینگراد و تاشکند سپرده شد و از سال ۱۹۳۴ کار حفاری در محلهای زیر صورت گرفت:

— در ۱۹۳۴ بررسی های ناحیه زرافشان توسط "یاکوبوفسکی" (۲۷)

— در ۱۹۳۶ بررسی های ترمذ زیر نظر "ماسون" (۲۸)

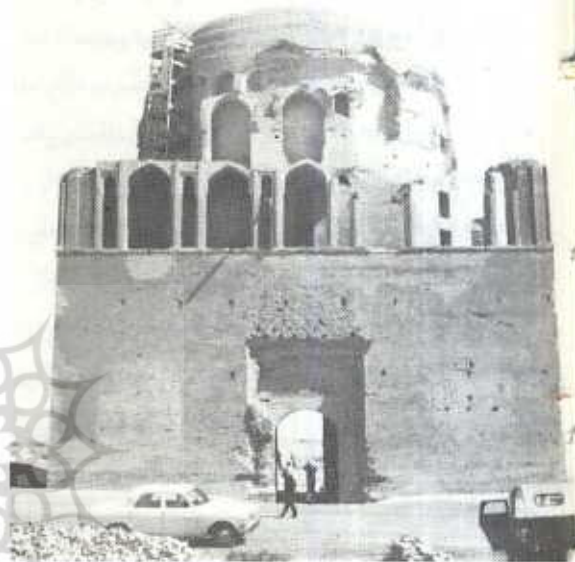
— در ۱۹۳۷ "تولستو" (۲۹) کار حفاری

را در خوارزم آغاز کرد .

— در ۱۹۳۷ ناحیه " ورخشا " واقع در ۳۰ کیلومتری شمال غربی بخارا توسط " شیشکین " (۳۰) کشف گردید و با توجه به آثار پرارزش آن مربوط به عهد ساسانی ، سروصدای بسیار در بین باستان شناسان برپا ساخت .

— کاوش " تل برزو " در شش کیلومتری سمرقند بین سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹ توسط " گریگوریو " (۳۱) انجام گرفت .

در بین سالهای ۱۹۴۰ — ۱۹۳۶ بررسیها و کاوشهای بسیاری توسط " بونشتام " (۳۲) در منطقه وسیع " سمیرجه " و قزاقستان جنوبی انجام گرفت . نتایج به دست آمده بسیار برانگیزاننده و جالب بود . از آن جمله است کشف غار پیش از تاریخی " تشیک تاش " (۳۳) در جنوب شرقی ترمذ و



تصویری از بنای جالب آرامگاه سلطان سنجر

مربوط به قرن ششم هجری واقع در محوطه باستان شناسی
ویرانه های مرو کهن .

۲۴ - Semiretchye

۲۵ - Kala-I Muy

۲۶ - Ayrtam

۲۷ - A.Y. Yakubovsky

۲۸ - M.E. Masson

۲۹ - S.P. Talstov

۳۰ - V. Shishkin

۳۱ - G.V. Grigoryev

۳۲ - A.N. Bernchtam

۳۳ - Teckik- tach

منطقه باستانی ورخشا در ۳۰ کیلومتری بخارا مربوط به دوران ساسانی .

جنگ دوم جهانی و بعد از آن : در جریان دومین جنگ جهانی با توجه به شرایط خاص زمان ، به طور طبیعی پژوهشها و کاوشهای باستانشناسی رو به کاهش گذارد . با اینحال در فاصله ۴۴ - ۱۹۴۳ در محوطه مربوط به ایستگاه " هیدروالکتریک " " فرهاد " (۳۴) در نزدیکی شهر " بکوات " (۳۵) واقع در ساحل چپ " سیردریا " کاوشهایی صورت گرفت که نتایج ارزنده‌ی در برداشت . همچنین در گورستان " شیرین‌سای " (۳۶) و محوطه باستانی " موشکتپه " (۳۷) نیز زیر نظر " گی دوکوچ " (۳۸) حفاریهای جالبی صورت گرفت .

بعد از جنگ جهانی دوم فعالیتهای باستانشناسی با وسعت قابل توجه و فراوانی دنبال گردید که از آنجمله است :

۱- ادامه حفاری ناحیه خوارزم تا حدود حوزه پایین سیردریا .

۲- در این زمان دو حفاری دائمی و بزرگ در دو منطقه وسیع یکی در تاجیکستان زیر نظر " یاکوبوفسکی " (۳۹) و دیگری در ترکمنستان جنوبی زیر نظر پروفیسور " ماسون " .

۳- در ۱۹۴۵ کاوش " توپراک قلعه " واقع در

خوارزم که در سال ۱۹۳۸ توسط " تولستو " شناسایی شده بود آغاز گردید .

۴- پروفیسور ماسون در سال ۱۹۴۶ حفاری منظم بساراکه نخست در سال ۱۹۳۰ توسط " ماروشچنکو " (۴۰) آغاز و سالها تعطیل شده بود ، آغاز کرد .

۵- در سال ۱۹۴۶ " یاکوبوفسکی " حفاری منطقه معروف باستانی " پنج کنت " واقع در ۶۰ کیلومتری شرق سمرقند را شروع کرد .

۶- در ۱۹۴۹ کاوش " کیقباد شاه " واقع در ۱۵ کیلومتری قبادیان توسط " دپاکونو " (۴۱) انجام گرفت .

۷- در قرقیزستان و قراقران جنوبی نیز کاوشهایی زیر نظر " برنشتام " به مرحله اجرا در آمد .

ایجاد انستیتوها و بخشهای پژوهشی باستانشناسی : در بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ و اوایل دهه ششم در تمامی جمهوریهایی آسیای میانه ، آکادمیهای علوم ایجاد گردید که هر یک از آنها انستیتوهای تاریخ را در بر می گرفت . انستیتوهای مزبور نیز هر یک دارای یک بخش باستانشناسی بودند که مسئولیت انجام تحقیقات علمی و منظم باستانشناسی را بر روی تمامی سرزمینهای هر جمهوری برعهده داشتند .

با توجه به فعالیتهایی که در زمینه کارهای

در سال ۱۹۶۲ هیأت باستانشناسی آسیای میانه را اعضا بخش شرقی موزه ارمنستان تشکیل می دادند و از موزه هنرهای ملل شرق یک باستانشناس جوان زن بنام "ت. کوسورگاشوا" (۴۲) آنها را همراهی می کرد.

فعالیت باستانشناسی موزه ارمنستان، موزه هنر ملل شرق، انستیتوی باستانشناسی مسکو و لنینگراد و بخشهای باستانشناسی آکادمیهای جمهوریهای آسیای میانه در سطحی وسیع و قابل ملاحظه بر روی محللهای عمده باستانی ماوراءالنهر سال به سال فزونی یافت و آگاهیهای بیشتری درباره ناشناختههای دورانهای گوناگون به دست آمد. اطلاعات مزبور از پیش از تاریخ تا دورانهای بعد از اسلام را در بر می گیرد. از آنجمله است کاوش معروف و معتبر "خالجیان" واقع در جنوب ازبکستان

راهسازی، کانالکشی، سد سازی و همسان آن صورت می پذیرفت، در عمل انتخاب محوطههای باستانی را برای انجام بررسی و کاوش تحت تأثیر قرار می داد و باستانشناسان ناگزیر از آن بودند تا بخشی از نیروی خود را صرف کاوش در این مسیرها سازند. به همین دلیل در قوانین شوروی به منظور جمع آوری اطلاعات لازم درباره محوطهها و مسیرهایی که به علت فعالیتهای عمرانی و نوسازی، آثار باستانی و تاریخی نهفته در آنها مورد تجاوز قرار می گرفت، پیش بینی های لازم به عمل آمد. از جمله آنکه مقامات مسئول انجام طرحهای فنی وسیع موظف بودند تا مخارج مطالعه و انجام کاوشهای لازم را در محوطه و در مسیر کارگاههای خود تأمین و فرصت کافی در اختیار باستانشناسان قرار دهند. - ایجاد بخشهای تحقیقاتی باستانشناسی در آکادمیهای جمهوریهای مختلف آسیای میانه بارگود فعالیتهای "موزه هنر ملل شرق" همزمان بود. موزه مزبور از سال ۱۹۴۸ به بعد جمعی از متخصصان و کارشناسان برگزیده خود را از دست داد و تا سال ۱۹۶۱ در واقع در زمینه پژوهشهای باستانشناسی در ماوراءالنهر سهم و نقشی نداشت. در سال ۱۹۶۱ موزه مزبور فعالیت خود را در آسیای میانه از سر گرفت و کوشید تا نقش مؤثری را بر عهده داشته باشد.

۲۴ - Farkhad

۲۵ - Begovat

۲۶ - Chirin-Say

۲۷ - Munchak-têhé

۲۸ - V.F. Gaydukevitch

۲۹ - A.Y. Yakubovsky

۴۰ - A.A. Maruchtchenko

۴۱ - M.M. Dyakonov

۴۲ - A. Kussurgashewa

خاصی حفاری و وضع بافت و آثار معماری به دست
آمده در بیشتر محوطه‌های باستانی آسیای مرکزی
را مشاهده کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پیک کاسه سفالی به رنگ نخودی یا نقش هندسی
به رنگ لاجوردی به دست آمده از "قره تپه" مربوط
به هزاره چهارم و یا آغاز هزاره سوم.

- تصویر بخشی از شهر باستانی "پنج کت"
واقع در شصت کیلومتری سمرقند مربوط به قرن
هفتم میلادی. پس از کاوشهای باستان‌شناسی،
در این تصویر روشنی می‌توان جگونی روش

بین سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ توسط حاسم "یوگاکنکوا" (۴۳) مربوط به دوران اشکانی .

* * *

اینک در پایان این نوشته برای آنکه برداشتی کلی از فعالیت‌های باستان‌شناسی در آسیای میانه به دست داده باشیم ، بی مناسبت نمی‌داند تا به نام برخی از محله‌های عمده کاوش شده مربوط به دوران پیش از تاریخ و دوران تاریخی اشاره کنیم ؛ به این امید که در آینده نزدیک توفیق معرفی نتایج به دست آمده از برخی از این محله‌ها و محوطه‌ها را بیابیم .

کاوشهای دوران پارینه سنگی : (۴۴) از جمله معروفترین و کهن‌ترین کاوشهای انجام شده مربوط به دوران پارینه سنگی حفاری " غارتشیک ناشی " و کشف تمدن دوران " موسترن " (۴۵) و اسکلت یک انسان " نئاندرتال " (۴۶) را در این محل می‌توان یاد کرد . محل دیگر غار " آمان کوتان " (۴۷) در ۴۵ کیلومتری جنوب سمرقند مربوط به دوران " پارینه سنگی میانه " است . (۴۸) کشف نقاشی‌های " پارینه سنگی جدید " (۴۹) در کوهستانهای " باباتاق " (۵۰) درصد کیلومتری شرق ترمذ . در این محل بیش از دویست نقاشی بزرگ احرابی به دست آمده است .

دوران نوسنگی و مفرغ (۵۱) : دوران نوسنگی و مفرغ

در سراسر آسیای میانه به دلیل عرضه ساختن تحولات و دگرگونی‌های چشمگیر در وضع اجتماعی و نوع معیشت و مرحله انتقال بین اقتصاد ابتدایی مبتنی بر جمع‌آوری غذا و مرحله جدید یعنی تولید متکی بر محصولات کشاورزی فراوان مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته و در محله‌های مختلف کاوشهای گوناگون انجام گرفته است که از آنجمله اند :

تمدن " آنو " در نزدیکی عشق آباد ، " غار جبل " (۵۲) در غربی ترین حد ترکمنستان و محل پیش از تاریخی " حیتون " (۵۳) در سی کیلومتری شمال غربی عشق آباد .

— تمدن معروف دوران نوسنگی در " قره تپه " نزدیک عشق آباد و " نمازگاه نیه " . گذشته از آثار دوران

۴۳ - G.A. Pugatchenkova

۴۴ - Paléolithique

۴۵ - Moustérien

۴۶ - Néanderthale

۴۷ - Aman - Kutan

۴۸ - Paléolithique Moyen

۴۹ - Paléolithique Récent

۵۰ - Baha-tag

۵۱ - Néolithique

۵۲ - Djebel

۵۳ - Djeytun

مجموعه اسناد و مطالعات فرنگی
مجموعه اسناد و مطالعات فرنگی
مجموعه اسناد و مطالعات فرنگی

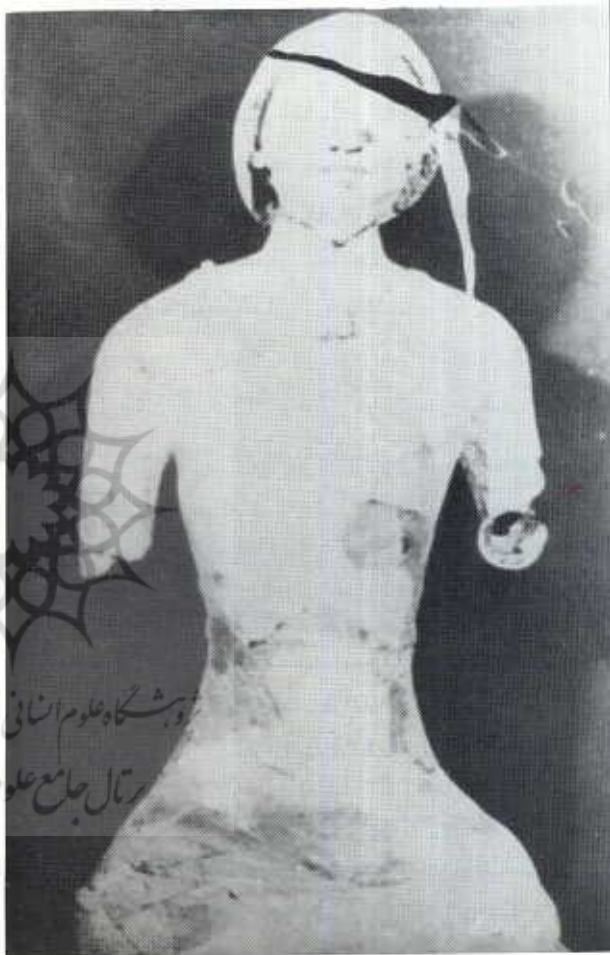
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰

نوسنگی و مفرغ در ترکمنستان جنوبی ، در ناحیه خوارزم نیز با آثار ارزنده‌ی از این دو دوران برخورد شده که عبارتند از :

فرهنگ " حصار " در تاجیکستان جنوبی ،
فرهنگ " قراقوم " (۵۴) در ساحل چپ " سیر دریا " ،
تمدن دره " فرغانه " و فرهنگ " چوست " (۵۵)
فرهنگ " زمان بابا " در دره زرافشان .

آثار دوران هخامنشی : درباره برخی از محلهای عمده ، مربوط به دوران هخامنشی می‌توان آثار شناخته شده در مرو کهن ، بالا حصار در منطقه بلخ باستانی ، قلعه میر در تاجیکستان جنوبی و چند بقعه در خوارزم را یاد کرد .

دوران بعد از هخامنشی تا پایان عهد اشکانی :
تعداد محلهای باستانی مربوط به این دوران بسیار فراوان است و به جهت خاصی باستان‌شناسان روس آنها را زیر نام دورانهای چون " یونانی - بلخی " یا " کزگ و باکترین " (۵۶) و " دوران کوشان " خوانده‌اند و کمتر خواسته‌اند تا از آنها به عنوان آثار دوران اشکانی یاد کنند . این محلهای عبارتند از : " ترمذ " ، کیقباد شاه دریازده کیلومتری " قبادیان " - " کوی کریلگان قلعه " (۵۷) ، " نسا " در نزدیکی عشق آباد که به اعتباری نخستین پایتخت اشکانیان به شمار می‌رود و " آیرتام " در ساحل راست آمو دریا سیزده کیلومتری ترمذ .



استودان به شکل مجسمه انسانی از سفال .
به دست آمده از " کوی کریلگان قلعه " مربوط به
قرن اول بعد از میلاد .

منطقه "پر ارزش" خالچیان" در شرق ترمذ و در کنار "سرخان دریا" و "توبراک قلعه" در خوارزم.

دوران ساسانی: شهرها و ویرانه‌های مربوط به دوران ساسانی نیز فراوان یافت و کاوش شده است که از آنجمله‌اند:

منطقه "عظیم و پر ارزش" ورخشا" در سی کیلومتری شمال غربی بخارا. کشف این منطقه "عظیم که واحه‌های آن در محوطه‌ی نزدیک به پانصد کیلومتر مربع پراکنده است، در دنیای باستان‌شناسی شور و هیجان خاصی را به وجود آورد. از جمله آثار جالب مکشوف در این مجموعه می‌توان از قصر "بخارا خدا" و دیوار نگاره‌های بزرگ و زیبای آن یاد کرد. "پنج کنت" محل باستانی ارزنده، دیگری

است در شصت کیلومتری شرق سمرقند. آثار معماری به دست آمده در این محل در توجیه هنر معماری دوران ساسانی از اعتبار خاصی برخوردار است، ویرانه‌های "افراسیاب" در کنار شهر سمرقند نیز از جمله محل‌های معتبر دوران ساسانی به شمار می‌رود.

از دیگر محل‌های مهم مربوط به پایان دوران ساسانی می‌توان از "بونجیکنت" واقع در مرکز ولایت "اسروشنه" در تاجیکستان شمالی یاد کرد.

از جمله آثار ارزشمند مربوط به این محل کشف یک کنده‌کاری جالب بر روی چوب مربوط به قسمت

"خورشیدی" سر در ورودی کاخ است که یادآور داستان نبرد ضحاک و فریدون می‌باشد. (درباره این اثر مهم که در موقع تعمیر آن در کارگاه بخش باستان‌شناسی آکادمی ناحیکستان نگارنده از نزدیک شاهد آن بوده است، به زودی مقالیمی انتشار خواهم داد.)

کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات فریبختی
در باستان‌شناسی و علوم انسانی

۵۴ - Kayrak Kum

۵۵ - Tchust

۵۶ - Gréco Bactrien

۵۷ - Kay-Krylgam-Kalā